

بسم الله الرحمن الرحيم
تدبر در قرآن

سوره مبارکه اعلی
استاد ضرابی اردیبهشت-خرداد ۱۴۰۰

جلسه پنجم ۱۴۰۰/۳/۸

آیات شریفه: « قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵) بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷) إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹) - رستگارش آن کس که خود را پاک گردانید (۱۴) و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد (۱۵) لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید (۱۶) با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است (۱۷) قطعا در صحیفه های گذشته این [معنی] هست (۱۸) صحیفه های ابراهیم و موسی (۱۹) »

عنوان: رابطه تهذیب (تزکیه) با رستگاری (فلاح)

« قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى »: در ترتیب بیان شده در این آیات شریفه دیده می شود که نخست تزکیه، زمینه بهرهمندی از ذکر را فراهم می کند (ذکر اسم رب) و سپس آمادگی اقامه نماز حقیقی ایجاد می شود که موجب فلاح و رستگاری است. اگر به این ترتیب پایبند باشیم، باید بگوئیم که به همان مقداری که انسان موفق به زدودن گناهان از خود می شود، استعداد ذکر و یاد خداوند را تحصیل می کند و به مقداری که استعداد ذکر ایجاد شود از حقیقت نماز بهرهمند شده، فلاح و رستگاری محقق می گردد.

تا نفس مبرا از مناهی نشود دل آینه نور الهی نشود

بنابراین، اساس همه خیرات در گرو پاکی از گناهان است چرا که با آلودگی ها، وجود انسان مانند زمین شوره زاری است که مجال هر رویشی را از میان

می‌برد. در سوره مبارکه مائده می‌خوانیم: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ... فَاتَّقُوا اللَّهَ أُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» - بگو هیچ‌گاه ناپاک و پاک مساوی نیستند... از مخالفت خدا بپرهیزید ای خردمندان، شاید رستگار شوید.» (مائده، آیه ۱۰۰)

لازم است به خود یادآوری کنیم که در سوره مبارکه شمس، خداوند پس از هفت بار قسم (به خورشید، ماه و...)، می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» - به یقین سعادت‌مند شد کسی که نفس خود را از آلودگیها (گناهان) زدود. و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود» (شمس/ ۹) باید باورمان شود که جهانی را که خداوند آفریده است، سراسر خوبی و پاکی و او مبدأ هر خوبی و پاکی است؛ نباید در محضر خداوند (جلّ شأنه) خود را به ناپاکی‌ها آلوده کرد. و این همان معنای تقواست که مصادیق بسیار متنوعی دارد که پله اول آن انجام واجبات و ترک محرمات است و کسی که واجباتش را انجام و گناهانش را ترک می‌کند انسان متقی است، درجات بالاتر تقوا، انجام مستحبات و ترک مکروهات و دل را به خدا و یاد و ذکر خدا مشغول و مانوس داشتن است.

هشدار امام علی (علیه السلام) را جدی بگیریم که فرمود: «غَالِبِ الشَّهْوَةَ قَبْلَ قُوَّةِ ضَرَاوَتِهَا؛ فَإِنَّهَا إِنْ قَوَّيْتَ مَلَكَتْكَ وَ اسْتَقَادَتْكَ ... وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُقَاوَمَتِهَا» - پیش از آن که تمایلات نفسانی به تجری و تندروی عادت کنند با آن ها مقابله کن، زیرا اگر تمایلات در تجاوز و خودسری نیرومند شوند، فرمانروای تو خواهند شد و تو را به هرسو که بخواهند می‌برند و قدرت مقاومت در برابر آن ها را از دست خواهی داد» (غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۲)

امیر المؤمنین (علیه السلام) مرتب خطاب به جمع مردم و در بازار می‌فرمود: «تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَ أَقْلُوا الْعُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ انْقَلِبُوا بِصَالِحِ مَا بَحْضَرْتَكُمْ مِنَ الزَّادِ فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَثُوداً وَ مَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً لَا بُدَّ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا وَ الْوُقُوفِ عِنْدَهَا....» - خدا شما را رحمت کند، آماده شوید؟ پس به تحقیق، ندای کوچ کردن (از این دنیا) به شما داده شده است. اعتماد و علاقه خویش را نسبت به ماندن در دنیا کم کنید و با توشه ای مناسب و پسندیده که در اختیار دارید، از دنیا به آخرت منتقل شوید! پس بی گمان در برابر شما گردنه ای است که بالا رفتن از آن دشوار است و در راهتان منزل هایی است ترس آور و هولناک که انسان از وارد شدن و توقف در آن ها ناگزیر است.

پس بدانید که دیگان مرگ (یا نگاه کردن آن از گوشه چشم به شما) به طرف شما نزدیک است، گویی شما در چنگال های آن هستید که به راستی آن چنگال ها به تنتان فرو رفته است و به تحقیق در مرگ، سختی های طاقت فرسا و دشواری هایی که از آن بیمناک و در حذر هستید، شما را فرا گرفته است. پس علاقه و وابستگی های خود را از دنیا قطع کنید و توشه تقوی را پشتیبان خود قرار دهید و از آن یاری جویید. این دنیا را کم بدانید و کوچک بدانید و فکر نکنید همه چیز اینجاست، از دل بستن به دنیا کم کنید و با توشه نیکی که در برابر شماست، رهسپار شوید؛ راه های ناهموار و منزل های ترسناک و هولناک پیش رو دارید که ناچار باید به آنها در آید و آنها را درنگ کنید... پس، علایق و پیوندهای به دنیا را بُرید و از توشه تقوا کم کنید. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۴)

زانک خوی بد نگشتست استوار مور شهوت شد ز عادت همچو مار
مار شهوت را بکش در ابتلا ورنه اینک گشت مارت ازدها

عنوان: رشته‌هایی متصل به آسمان معنویت

«وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»: اولین رشته‌ای که انسان را متصل به آسمان معنویت و زندگانی سعادت‌مندانه می‌گرداند، نور ایمان است؛ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» - مؤمنان رستگار شدند» (مؤمنون، آیه ۱) دلیل اتصال رشته ایمان به رستگاری و سعادت ابدی روشن است زیرا قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینها همان رستگاران واقعی هستند» (نور / ۵۱)

رشته دیگری که پس از نور ایمان انسان را به رستگاری پیوند می‌زند وسعت بخشیدن و توسعه ذکر و یاد خدا و به حداقل رساندن لحظات غفلت از یاد خداوند است (بخصوص ذکر عملی که مقصود از آن انتخاب کارهایی است که خدا از آن خشنود می‌شود و اجتناب از کارهایی است که خداوند دوست ندارد). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستابید) «(احزاب / ۴۲-۴۱)

رشته دیگری که انسان خاکی را به اوج افلاک صعود می‌دهد بعد از ایمان به خدا و ذکر و یاد او، خدمت به خلق خدا و نیکوکاری است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید» (حج، آیه ۷۷)

این جهت‌گیری در برنامه تربیت الهی نور هدایت و رستگاری را به همه ارکان وجود مؤمنین غلبه می‌دهد و به تعبیر قرآن سنگینی کفه اعمال نیک را که دوری از آتش جهنم و عذاب است، افزایش می‌دهد «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - وزن کردن اعمال و سنجش ارزش آنها در آن روز، حق است. کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگار اند.» (اعراف، آیه ۸) پس از این توفیقات الهی و حال خوب، رشته‌های دیگر اتصال به اوج آسمان معنویت، پیوند با اولیاء و مقربین درگاه خدا با جهاد فی سبیل الله و ثبات و پایداری در آن است. «لَكِنَّ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْرِ لِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکی‌ها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگار اند.» (توبه، آیه ۸۸)

بی‌شک همه این رشته‌های اتصال و پیوند به رستگاری و سعادت در همیشه زندگی و تا آخرین لحظات مرگ، مشروط به اداء حقوقی است که متوجه انسان می‌شود و بی‌توجهی و مسامحه در آن همه چیز را به مخاطره می‌اندازد. «فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگار اند.» (روم، آیه ۳۸)

تا به اینجا اساس و پایه اصلی در پیوند با ابدیتی سعادت‌مندانه بود که ذکر گردید، دیگر موضوعات و مسائل دیگر که به طور جداگانه در قرآن ذکر گردیده و وعده به رستگاری داده شده است، داخل در همین کلیاتی است که ذکر گردید و می‌توان با تأمل به اساس و امهات گفته شد ملحق نمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» - ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار

گردید» (آل عمران، آیه ۲۰۰) «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - هیچ قومی نخواهی یافت که ایمان به خدا و روز جزا داشته باشد و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند دوستی کند، هرچند دشمن خدا و رسول، پدران و یا فرزندان و یا برادرانشان و یا قوم و قبیله‌شان باشد؛ برای اینکه خداوند در دل‌هایشان ایمان را نوشته و... ایشان حزب خداوند آگاه باشید که حزب خداوند رستگارانند» (مجادله/۲۲)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید؛ و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید» (مائده، آیه ۳۵)

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند» (آل عمران، آیه ۱۰۴) «... وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان باشد که سعادت‌مند شوید» (نور، آیه ۳۱)

انصتوا را گوش کن خاموش باش چون زبان حق نگشتی گوش باش
ور بگویی شکل استفسار گو با شهنشاهان تو مسکین‌وار گو

عنوان: تفاوت فرزندان دنیا و آخرت

« بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى »: از تصریح خداوند به بهتر و باقی بودن آخرت، فهمیده می‌شود که علت برگزیده شدن دنیا و بی‌اعتنایی به آخرت این است که بین دنیا و آخرت مقایسه صورت نمی‌گیرد. اگر انسان دنیا و آخرت را بهتر بشناسد انتخاب خود را اصلاح می‌کند و تا وقتی این معرفت را ندارد، دنیا را بر می‌گزیند.

در حدیث معراج می‌خوانیم که خداوند خطاب به پیامبر خود می‌فرماید: « يَا أَحْمَدُ! لَا تَنْزَيْنَ بِلَيْنِ الثِّيَابِ، وَ طَيِّبِ الطَّعَامِ وَ لَيْنِ الْوِطَاءِ، فَإِنَّ النَّفْسَ مَأْوَى كُلِّ شَرٍّ، وَ هِيَ رَفِيقُ كُلِّ سُوءٍ، تَجْرُهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ تَجْرُكَ إِلَى مَعْصِيَتِهِ، وَ تُخَالِفُكَ فِي طَاعَتِهِ وَ تُطِيعُكَ فِيمَا يَكْرَهُ، ... - ای احمد! از خودآرایی به لباس

نرم، لذت جویی از خوراک خوشگوار و عیش در بستر نرم بپرهیز، همانا نفس، انبار بدی ها و یار و همراه زشتیهاست، تو او را به طاعت خدا می کشانی و او تو را به معصیت پرورگار و می دارد و در اطاعت از پروردگار با تو مخالفت می کند و در آن چه خدا ناخوش می دارد در اطاعت توسست. چون سیر شد، سر به تجاوز و زیاده طلبی می گذارد و وقتی گرسنه شد شکایت سر می دهد، هنگام ناداری و بی چیزی، خشم می گیرد و اگر احساس بی نیازی کند سرکشی می نماید. وقتی بزرگی یافت به فراموشی مبتلا می شود و اگر به آسودگی رسید در غفلت و بی خبری فرو می رود، همراه و همدم شیطان است. باری، مثل نفس، مثل شتر مرغ است؛ بسیار می خورد و چون باری بر دوشش نهند پرواز نمی کند و آن بار را بر نمی دارد، و همچون گیاه «دُفلی» است که خوش منظر ولی بسیار تلخ می باشد.» (شرح حدیث معراج، ص ۱۴۴)

درفراز دیگر حدیث معراج آمده است: «... يَا أَحْمَدُ! أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا، وَ أَحِبَّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا. قَالَ: يَا رَبِّ! وَ مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا؟ وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ؟ قَالَ: أَهْلُ الدُّنْيَا: ... - ... ای احمد دنیا و اهلش را مبغوض و آخرت و اهلش را دوست دار. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود پروردگار من، اهل دنیا و اهل آخرت چه کسانی هستند؟... (خداوند این ویژگیها را برای اهل دنیا برشمرد): پرخور و شکم باره اند، خنده فراوان می کنند، پر خواب هستند، خشم فراوان دارند، کم خرسند می گردند و همواره از دیگران طلب کارند، وقتی به دیگران بدی می کنند، پوزش نمی خواهند، عذر دیگران را نمی پذیرند، در هنگام عبادت کسل اند و هنگام معصیت شجاع، با اینکه مرگشان نزدیک است، آرزوهای دور و دراز دارند، به محاسبه و حسابرسی نفس خود نمی پردازند، به دیگران نفع نمی رسانند، بسیار سخن می گویند، ترس اندک از خدا دارند، هنگام آماده شدن غذا، شادمانند، نه هنگام آسایش، شکر می کنند و نه بر بلا و گرفتاری صابرند، مردم را به حساب نمی آورند و کارهای خیری که دیگران انجام می دهند، (حتی اگر فراوان نیز باشد) در چشم آنان اندک است، خود را به کاری که انجام نداده اند، می ستایند، چیزی را ادعا می کنند که در وجود آنان نیست، همواره تمنا و انتظارات خود را بیان می کنند، به عیب گویی از دیگران می پردازند.»

« ... يا اَحْمَدُ! إِنَّ اَهْلَ الْاٰخِرَةِ رَقِيْقَةٌ وُجُوْهُهُمْ، كَثِيْرٌ حَيَاوُهُمْ، قَلِيْلٌ حُمْفُهُمْ، كَثِيْرٌ نَّفْعُهُمْ، ... - ای احمد! اهل آخرت نرم دلانی هستند با حیای بسیار، نافهمی شان اندک و سودشان سرشار است. حيله گری و فریبکاری شان ناچیز است. مردم از ناحیه ایشان آسوده اند و خود از ناحیه مردم در رنج و زحمتند. سخنشان نیکو و سنجیده است. نفس خویش را به محاسبه می کشند و آن را در رنج و سختی می افکنند. چشمانشان را خواب فرا می گیرد اما دل هایشان هرگز به خواب نرود. با چشمانی اشکبار یاد خدا را در دل زنده می دارند، آن گاه که نام مردم در زمره بی خبران نوشته شود نام اینان در دفتر ذاکران و هشیاران ثبت می شود. در آغاز نعمت، خدا را می ستایند و در پایانش سپاسگزار او هستند. دعا و درخواستشان در پیشگاه خدا بلند و مستجاب و سخنشان پذیرفته است. فرشتگان از ایشان خوشنودند، دعا و زمزمه شان قبل از درنوردیدن حجابها و رسیدن به استجابت، زیر حجابهای نوری در حرکت است و خداوند شنیدن سخنشان را دوست دارد، آن گونه که مادر فرزندش را. هیچ چیز - حتی به قدر چشم بر هم زدنی - ایشان را از خدا غافل نکرده و هرگز قصد زیاده خوری و زیاده گویی و زیاده خواهی در پوشش و لباس ندارند. مردم از نظر مؤثر بودن در مقدرات - همچون مردگانند و خداوند زنده جاوید و کریم بزرگ است. فراریان از حق را به کرم و بزرگی، دستگیرند و روی آورندگان به او را به لطف و خوشرویی پذیرا. دنیا و آخرت از نظر آن ها یکی است. مردم در زندگی یکبار می میرند اما ایشان از شدت و کثرت مجاهده با نفس و هواپرستی و شیطانی که در تمام وجودشان جاری است، روزی هفتاد بار می میرند. از شدت ضعف و لاغری، نسیمی ایشان را می لرزاند اما چون یکی از آنان در پیشگاه من به نماز و نیاز می ایستد گویی، بنیانی محکم و استوار است، در قلبش هیچ وابستگی و تعلقی به مخلوق نمی یابم. به عزت و جلالم سوگند او را به حیات طیبیه زنده بدارم و آن گاه که زمان جدایی روح از جسمش فرا رسد، فرشته مرگ را بر او مسلط نکنم و جز خودم کسی عهده دار گرفتن جانش نباشد، تمام درهای آسمان را به روی روحش بگشایم و همه حجابهایی را که بین او و من است، از میان بردارم، دستور می دهم که بهشت ها خود آرایی کنند، حورالعین از هر جانب بر او وارد شوند و فرشتگان به خدمت ایستند و درختان میوه دهند و میوه های بهشت برای عرضه به او نزدیک گردند، نسیمی از نسیم های تحت عرش را فرمان می دهم که کوه هایی از کافور و مشک خوشبو را بردارند تا سوختی از غیر آتش دراندازند و

اطرافش را از آن آکنده سازند، بین من و روح او پوشش و مانعی نباشد و هنگام گرفتن جاناش او را مخاطب قرار داده و می گویم: خوش آمدی و با آمدنت صفا آوردی! با این بزرگداشت چه سعادت نصیب اوست و مزده به رحمت و رضوان و بهشتیایی که در آن ها نعمتهای جاوید و ابدی است و اجر بزرگ و بی پایان در نزد خداست، ای کاش می دیدی فرشتگان را، که چگونه او را می گیرند و دست به دست می گردانند.» (شرح حدیث معراج، ص ۱۵۹-۱۸۴)

در یکی راه ریاضت را وجوع	رکن توبه کرده و شرط رجوع
در یکی گفته، ریاضت سود نیست	اندر این ره مخلصی جز جود
در یکی گفته، که جوع وجود تو	شرک باشد از تو با معبود تو
در یکی گفته که واجب خدمتست	ورنه اندیشه تو گل تهمتست

عنوان: سنت‌های غیر قابل تغییر الهی در آیین پیامبران

« إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى » : در ابتدای بحث از این سوره مبارکه گفته شد که از تطبیق بدو و ختم آیات « سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى... صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى » نتیجه می‌شود که تسبیح پروردگار اعلی پیام مشترک همه پیامبران الهی بوده است و این سنت لایتخلف هیچ استثنایی ندارد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که دنیا را به شدت سرزنش کرده و از آن به عنوان یک زندگانی فانی و ناپایدار یاد کرده است. اما در مقابل در آیات فراوان دیگری خداوند به موجودات و مخلوقات عالم از جماد و نبات و حیوان گرفته تا خورشید و ماه و شب و روز، سوگند یاد می‌کند؛ علت آن چیست؟

حضرت علی (علیه السلام) در سخن کوتاهی پاسخ این سؤال را چنین داده است: « وَ لَيْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا - بد معامله‌ای است که خود را به دنیا بفروشی » (نهج البلاغه، خطبه ۳۲) و خداوند فرمود: « فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا - هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش

خدایش احدی را با او شریک نگرداند.» (کهف/۱۱۰) امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر گناهی از محبت دنیا آغاز می‌گردد» (الکافی، ج ۲، ص ۳۱۵)

در زبان قرآن و روایات زاهد به کسی گفته می‌شود که محبتی از دنیا در دل ندارد؛ اگرچه ممکن است فرمانروای سرزمینی باشد که به امر او مال و قدرت بسیاری جابجا می‌شود. «یا أَحْمَدُ! هَلْ تَعْرِفُ مَا لِلزَّاهِدِينَ عِنْدِي؟ قَالَ: لَا، يَا رَبِّ! قَالَ: يُبْعَثُ الْخَلْقُ وَيُنَاقَشُونَ الْحِسَابَ، وَهُمْ مِنْ ذَلِكَ آمِنُونَ... - ای احمد! آیا می‌دانی مقام زاهدان نسبت به دنیا و اندوخته آن‌ها نزد من چیست؟ پیامبر عرض کرد: نه! پروردگارا؛ نمی‌دانم. خداوند فرمود: مردم برانگیخته می‌شوند و گرفتار حسابند؛ اما زاهدان از حساب درامانند. کمترین چیزی که به آن‌ها می‌دهم، کلید همه بهشت‌ها است تا هر دری را بخواهند، بکشایند و بر روی خود از ایشان پرده نپوشم، به اقسام لذت‌ها همچون هم‌کلامی و همنشینی با خودم در مقعد صدق، بهره‌مندشان سازم و با آنان از کارها و زحمات دنیایشان یاد کنم و چهار در به روی آن‌ها بگشایم: دری که هر صبح و شام هدایایی از نزد من بر آن‌ها وارد شود. دری که هرگاه بخواهند، بی‌هیچ سختی از آن در مرا بنگرند. دری که از آن بر آتش و احوال دوزخیان و عذاب و شکنجه آن‌ها آگاهی یابند و دری که کنیزکان و حوریان از آن در بر ایشان داخل شوند. پیامبر عرض کرد: پروردگارا! این زاهدانی که وصفشان فرمودی کیانند؟ خداوند فرمود: زاهد کسی است که نه خانه‌ای دارد که خراب شود و اندوه ویرانی خانه، او را فرا گیرد - نه - دلبستگی به - فرزندی دارد که اگر مرد، مرگش او را غمناک کند، نه چیزی از مال دنیا دارد که از دست رفتنش او را اندوهگین سازد، کسی را نمی‌شناسد که آن کس چشم بر هم زدنی او را از خدا به خود مشغول کند، خوراک زائدی ندارد که مورد بازخواست واقع شود و مالک لباس نرم و تن آسایی نیست.»

مسجد یکی، مناره یکی و اذان یکی ست	قبله یکی، کتاب یکی، آرمان
یکی ست	
ما را به گرد کعبه طوافی ست مشترک	یعنی قرار و مقصد این
کاروان یکی ست	
فرموده است: «واعتصموا...، لا تفرّقوا»	راه نجات خواهی اگر ریسمان
یکی ست	

توحید حرف اول دین محمد است
یکی ست

اسلام ناب در همه جای جهان